

## تأثیر سبک تربیتی مقتدرانه والدین بر رشد عاطفی-هیجانی کودک

مرضیه محمدی<sup>۱</sup>، رویا کاظمی<sup>۲</sup>

### چکیده

خانواده یکی از رکن‌های اساسی در تربیت فرزندان است. والدین با اعمال سبک تربیتی خود آثار متفاوتی به شخصیت، رشد و تربیت اجتماعی و عاطفی و عقلانی فرزندشان می‌گذارند. سبک تربیتی سهل‌گیرانه و مستبدانه آثار نامطلوبی بر تربیت فرزند دارد؛ زیرا اعتدال در آن رعایت نمی‌شود، اما شیوه مقتدرانه اثرات مثبت فراوانی روی فرزند می‌گذارد و باعث می‌شود که فرزندان به خودشکوفایی و کمال برسند تا بتوانند توانایی خود را بالفعل کنند. سبک تربیتی مقتدرانه بر هیجانات و عواطف کودک مؤثر است. اگر این سبک در شیوه تربیتی فرزندان اعمال شود بهبود در تنظیم هیجانات کودک دیده می‌شود و این امر به رشد عاطفی-هیجانی کودک کمک می‌کند. پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است که ابتدا انواع سبک‌های تربیتی (سهل‌گیرانه، مستبدانه، مقتدرانه) و اثرات آن بر فرزندان را بررسی کرده و سپس دیدگاه برگزیده (مقتدرانه) را انتخاب و اثر آن بر رشد عاطفی-هیجانی کودک مانند خشم، ترس، غم و شادی را بیان می‌کند.

**واژگان کلیدی:** تربیت مقتدرانه، رشد عاطفی، تنظیم هیجان، فرزندپروری.

۱. دانش‌پژوه کارشناسی روان‌شناسی از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

۲. مربی گروه علمی-تربیتی روان‌شناسی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

## ۱. مقدمه

خانواده یکی از رکن‌های اساسی جامعه است و نقش مهمی در زندگی فرد و اجتماع دارد. (طباطبایی، فضلی و یارعلی، ۱۳۹۳، ص ۸). به گونه‌ای بر رفتار افراد بسیار تأثیرگذار است (غلامی تکالو و نیکخو، ۱۳۹۴، ص ۱). الگوی تربیتی که والدین ارائه می‌دهند در پرورش کودک و نوجوان بسیار مؤثر بوده و جزو عوامل مهم پرورش کودک است (اسعدی، ذکایی، کاویانی، محمدی و گوهری، ۱۳۸۵، ص ۲). خانواده کانون اصلی رشد و تعالی انسان‌هاست و رشد عاطفی و سلامت روانی به ارتباط خانواده و محیط بستگی دارد (خنکدار طارسی، سلحشوری و وکیلی، ۱۳۹۶، ص ۲). از ابتدای تاریخ بشر یکی از اهداف انسان‌ها گسترش نسل در قالب فرزندآوری بوده است. والدینی که تربیت صحیح فرزند برایشان مهم است این دغدغه را دارند که چگونه رفتار کنند تا فرزند آنها فردی سالم و مفید از نظر روحی و روانی، جسمی، موقعیت اجتماعی، شرایط عاطفی و هیجانی و... برای جامعه باشد (عادل‌پور، ۱۳۹۶، ص ۲). سبک تربیتی والدین با کودکان تغییرات محسوسی در رفتار آنها ایجاد می‌کند که ممکن است سبب ایجاد آرامش در زندگی کودکان و یا حتی موجب پیدایش تنش و اختلال در رفتار آنها شود که ادامه مراحل زندگی کودک را تحت الشعاع قرار دهد (طباطبایی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۲).

شیوه‌های تربیتی والدین در بروز ناهنجاری رفتاری، عاطفی، هیجانی، اخلاقی و... فرزندان اثرگذار است. سبک فرزندپروری می‌تواند پیش‌بینی‌کننده رشد روانی اجتماعی، عاطفی، هیجانی، عملکرد تحصیلی، سلامت و... فرزندان در آینده باشد. (طباطبایی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۸). شیوه فرزندپروری، فعالیتی پیچیده شامل روش‌ها و رفتارهای ویژه است که به صورت جداگانه یا در تعامل با یکدیگر بر رشد کودک اثرگذار است. اساس شیوه فرزندپروری نشان‌دهنده تلاش‌های اولیه والدین برای کنترل و اجتماعی کردن کودکان است (شکوهی یکتا، پرند و فقیهی، ۱۳۸۵). در تعریف دیگر، سبک‌های فرزندپروری مجموعه‌ای از نگرش‌های والدین نسبت به فرزندان و در رابطه با تربیت فرزندان است که سبب ایجاد جو عاطفی بین فرزندان و والدین می‌شوند (طباطبایی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۱). سبک‌های فرزندپروری دو شاخص مهم



دارد: محبت و کنترل والدین (طباطبایی و همکاران، ص ۱۱). بامریند<sup>۱</sup> که گسترده‌ترین الگوی توصیف سبک‌های فرزندپروری را دارد ابتدا سه شیوه مستبدانه، مقتدرانه و سهل‌گیرانه را ارائه کرد. از نگاه او فرزندپروری براساس دو بعد جداگانه انجام می‌گیرد که شامل توقع و گرمی است. توقع شامل معیارهای بالا، کمال و کنترل و گرمی مستلزم محبت، پذیرش، حمایت والدین است (سالاری فر، شجاعی، موسوی اصل و دولتخواه، ۱۳۹۹، ص ۲۲۸). از دیدگاه دیگر مکویی و مارتین<sup>۲</sup> فرزندپروری را به ۴ شیوه تقسیم کرده‌اند که عبارتند از: مقتدرانه، سهل‌گیرانه، مستبدانه و شیوه مسامحه‌کارانه. در پژوهش حاضر سه سبک مقتدرانه، مستبدانه، سهل‌گیرانه بررسی می‌شود؛ زیرا در شیوه تربیتی مسامحه‌کارانه در مقایسه با سایر سبک‌ها اطلاعات اندکی در دست است (شکوهی یکتا و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۱۲۳).

از مسائل مؤثر از شیوه فرزندپروری والدین، رشد عاطفی و هیجانی کودک است. رشد عاطفی و سلامت روانی کودک به محیط خانواده و سبک تربیتی والدین بستگی دارد. ارتباط مؤثر موجب شکوفایی هویت، کمال انسان و پیوند او با دیگران است. (کرمی‌زاده، نظامی، طاهری و منظری توکلی، ۱۳۹۳، ص ۸۸). رشد عاطفی-هیجانی وابسته به سبک تربیتی والدین است و از بین سبک‌های تربیتی یادشده، شیوه تربیتی مقتدرانه والدین بر رشد عاطفی-هیجانی اثر سازنده‌تری دارد. عاطفه در همه انسان‌ها دیده می‌شود هرچند در نوع عواطف و ابراز آنها تفاوت‌هایی وجود دارد. رشد عاطفی بیانگر عواطف و احساسات فرد است. عواطف حالت‌های درونی است که به صورت طبیعی در همه انسان‌ها با تفاوت‌هایی وجود دارد. رشد عاطفی وظیفه‌ای پیچیده است که از دوران نوزادی آغاز می‌شود و تا بزرگسالی ادامه دارد. لذت، خشم، ناراحتی و ترس اولین عواطفی هستند که در کودکان مشاهده می‌شود. در فرآیند رشد عاطفی

انتظار می‌رود کودک به مهارت‌هایی برسد که احساسات خود را بشناسد. درباره نقاط قوت و ضعف خود متناسب با سن، بیندیشد و در تعامل‌های عاطفی با دیگران درست رفتار کند (قاسم‌زاده، مجیب، سرداری، دهقانی، راه‌پیما و فرجاد، ۱۳۹۸، ص ۳-۴).

در بسیاری از پژوهش‌ها به صورت کلی به انواع روش‌های تربیتی والدین (مستبدانه، مقتدرانه، سهل‌گیر) اشاره و اثر آنها بر متغیرهای مختلف (هوش هیجانی، پیشرفت تحصیلی، سبک یادگیری، اختلال رفتاری) و... بررسی شده است. برخی از آنها عبارتند از:

- مقاله بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری والدین با پیشرفت تحصیلی و اختلالات رفتاری دانش‌آموزان دوره ابتدایی نوشته سید علی طباطبایی، رخساره فضلی و جواد یارعلی که در فصلنامه خانواده و پژوهش چاپ شده است. این مقاله ابتدا انواع سبک‌های فرزندپروری و اثری که روی فرد دارند را بررسی کرده و سپس هر سه روش تربیتی یعنی، مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه را بر روی این دو متغیر یعنی، پیشرفت تحصیلی و اختلالات رفتاری بررسی می‌کند؛

- مقاله تطبیقی سبک‌های فرزندپروری نوشته شکوهی یکتا، پرند و فقیهی نیز ابتدا هر سه شیوه را به صورت کامل توضیح داده و سپس دیدگاه برگزیده یعنی، مقتدرانه را از نظر اسلام، قرآن و روایات بررسی کرده است.

پژوهش حاضر، اثر سبک تربیتی مقتدرانه را بر رشد عاطفی-هیجانی کودک بررسی می‌کند. از آنجاکه دیدگاه برگزیده روش تربیتی مقتدرانه است، ضروری است تا در مورد این روش تربیتی روی مسئله رشد عاطفی-هیجانی که از عناصر مهم رشد کودک است بیشتر بحث شود. به همین منظور ابتدا انواع سبک‌های تربیتی والدین و دسته‌بندی‌های مختلف آن بررسی شده و سپس دیدگاه برگزیده یعنی، روش تربیتی مقتدرانه والدین بر رشد عاطفی-هیجانی کودک بررسی می‌شود که دامنه آن نسبت به پژوهش‌های دیگر جزئی‌تر و محدودتر است. از مهمترین وظایفی که برعهده پدر و مادر قرار داده شده مسئله تربیت فرزند است؛ زیرا تربیت فرزند رابطه مستقیمی با صلاح و فساد جامعه دارد. اگر فرزندان در محیط خانواده صحیح تربیت شوند جامعه روبه صلاح و پیشرفت می‌رود، اما اگر فرزندان با تربیت نادرست وارد اجتماع شوند رفتار

آنها به جامعه هم سرایت می‌کند طوری که بخش عمده‌ای از نابسامانی‌های اخلاقی و رفتاری که در جوامع امروزی مشاهده می‌شود ناشی از انحرافات اخلاقی نسل جوان است که این انحرافات اخلاقی ریشه در تربیت خانوادگی آنها دارد. پس پدر و مادر در تربیت فرزند وظیفه مهمی دارند. (آزادکوخایی و رمضانعلی رود مقدس، ۱۳۹۴، ص ۱۳۲)

## ۲. انواع سبک‌های فرزندپروری

### ۱-۲. سبک سهل‌گیرانه

این سبک با کنترل کم والدین و پذیرش زیاد آنها مشخص می‌شود. والدین تقاضاهای کمی دارند و پاسخ‌دهی به فرزندان در این سبک زیاد است. سبک فرزندپروری آسان‌گیر، مؤلفه بی‌توجهی را دارد. این بعد، ارائه خواسته‌های کم همراه با محدودیت‌های بسیار کم از فرزندان را شامل می‌شود. (خنکدار طارسی، سلحشوری و وکیلی، ۱۳۹۶، ص ۳) آنها در مورد رفتارهای اجتماعی فرزندان سهل‌انگار هستند. در این خانواده‌ها ملزم بودن به قوانین و آداب و رسوم اجتماعی بسیار کم دیده می‌شود. والدین به فرزندان استقلال بیش از حد می‌دهند، اهداف کمی برای آنها مشخص می‌کنند، انتظارات خیلی کم از فرزندان خود دارند و بی‌نظمی در این خانواده‌ها زیاد است (عادل‌پور، ۱۳۹۶، ص ۶).

### ۱-۱. ویژگی‌های سبک سهل‌گیرانه

عدم خواسته‌های عاقلانه؛ عدم ارائه دلیل و درگیری با کودک توسط والدین. از ویژگی‌های سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه است. در این نوع سبک تربیتی، آزادی مطلق حاکم است و تمایلات فرزندان، محور اصلی تمام فعالیت‌های خانواده را تشکیل می‌دهد. (دلآوری پورپاریزی و صفورایی پاریزی، ۱۳۸۹، ص ۲۳)

### ۲-۱. تأثیر سبک تربیتی سهل‌گیرانه بر فرزندان

کودکی که در این نوع سبک تربیتی بزرگ می‌شود فردی ناپخته به بار می‌آید. او هنگام روبه‌رو شدن با سختی از مکانیسم واپس‌روی و رویگردانی استفاده می‌کند. اعمال او نسنجیده است و

فعالیت‌های بی‌هدفی را دنبال می‌کند. تکانشی، پرخاشگر و بدون اعتماد به نفس است. (غلامی تکالو و نیک خو، ۱۳۹۴، ص ۲) بسیاری از فرزندان در این خانواده‌ها پیشرفت تحصیلی کمتری دارند و گرایش به مواد مخدر و رفتارهای ضداجتماعی در آنها دیده می‌شود (شکوهی یکتا و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۸). طی تحقیقات انجام‌شده این کودکان در عالم خیال به سر می‌برند، بی‌بندوبار، سهل‌انگار، خودخواه و بی‌هدف هستند، نمی‌توانند رابطه صحیح با دیگران برقرار کنند، به قوانین اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی توجه ندارند، برای برطرف کردن نیازهایشان توانایی زیادی ندارند، اراده کمی دارند، هرچند استقلال زیادی دارند، ولی نوعی تزلزل روحی در آنها دیده می‌شود که باعث ایجاد رفتارهای اخلاقی نابه‌هنجار می‌شود، خودکنترلی کمی دارند. در این نوع سبک تربیتی، حمایت بیش از حد والدین از فرزندان باعث ایجاد مانع در تجربه ناکامی و منابع اضطرابی می‌شود. آنها وقتی در بزرگسالی با فشار و استرس روبه‌رو می‌شوند، نمی‌توانند مقابله خوبی با اضطراب‌های ناشی از موقعیت‌های مختلف داشته باشند (دلوری پورپاریزی و همکاران، ۱۳۸۹ ص ۲۶-۲۵). در جدول زیر تأثیر تربیت سهل‌گیرانه بر کودک براساس پژوهش‌های انجام‌شده مشخص شده است (دلوری پورپاریزی و صفورایی پاریزی، ۱۳۸۹، ص ۳۳).

جدول ۱- تأثیر تربیت سهل‌گیرانه بر کودک

نوع تربیت: والدین سهل‌گیرانه	رفتار کودک: تکانشی و پرخاشگر
عدم اجرای قوانین	نسبت به بزرگسالان مقاوم هستند
عدم ابلاغ قوانین به فرزندان	اعتماد به نفس کمی دارند
تسلیم کودک می‌شوند	کم پیش می‌آید که احساس پیشرفت داشته باشند
در مورد نظم، مقررات ناهمسان دارند	پرخاشگر هستند
نسبت به رفتار کودک توقع و تقاضای کمی دارند	تکانشی هستند
رفتار بد کودک را نادیده می‌گیرند	خویشتر داری کمی از خود نشان می‌دهند
علاقه مند هستند که بر دیگران سلطه داشته باشند	فعالیت هدف دار در آنها کم است

۲-۲. سبک مستبدانه

فرزندپروری مستبدانه با کنترل زیاد والدین و پذیرش کم آنها مشخص می‌شود. این والدین بیشتر از رویکرد تنبیهی مانند تهدید و دیکته کردن قوانین استفاده می‌کنند. (خنک‌دار طارسی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۳) مشخصه اصلی آن، تقاضاهای زیاد والدین و پاسخ‌دهی کم آنهاست. این شیوه فرزندپروری دو ویژگی دارد: توقع زیاد و پذیرش کم. در این سبک تربیتی، والدین قوانین را به صورت انعطاف‌ناپذیر بر فرزندان تحمیل می‌کنند. آنها از نظر تربیتی خشن و تنبیه‌گر هستند. ابراز محبت و صمیمیت بین والدین و فرزندان کم است. نسبت به دیگر سبک‌های فرزندپروری این والدین کمترین محبت را نسبت به فرزندشان دارند و بر اطاعت بی‌چون‌وچرای فرزندان تأکید می‌کنند (عادل پور، ۱۳۹۶، ص ۹).

۲-۲-۱. اثرات سبک تربیتی مستبدانه بر فرزندان

طی تحقیقات انجام شده (دلآوری پور پاریزی و صفورایی پاریزی، ۱۳۸۹). این کودکان بیشتر مطیع والدین هستند، ولی در بیشتر مواقع رفتار پرخاشگرانه‌ای دارند. به همین دلیل در بین هم‌بازی‌های خود محبوبیت زیادی پیدا نمی‌کنند. همین باعث ایجاد هیجان اضطراب در کودکان می‌شود. این کودکان مستقل نیستند و احساس ناامنی دارند، نسبت به بزرگسالان بدبین هستند، در کارهای گروهی شرکت نمی‌کنند و از پذیرش مسئولیت اجتناب می‌کنند، خلاقیت در آنها کم است و در انجام کارها به خود متکی نیستند و اعتماد به نفس کمی دارند، متعصب هستند، بیشتر خشمگین، غمگین، گوشه‌گیر و محتاط هستند (غلامی تکالو، ۱۳۹۴، ص ۳).

جدول ۲- اثر سبک تربیتی والدین قدرت‌طلب (دلآوری پورپاریزی و صفورایی پاریزی، ۱۳۸۹، ص ۳۴)

سبک تربیتی والدین قدرت‌طلب	رفتار کودکان تعارضی و تحریک‌پذیر
قوانین را به فرزندان تحمیل می‌کنند و درباره آنها به فرزندان توضیح نمی‌دهند.	همواره ترس و بیم دارند
نسبت به رفتار بد کودک مقابله می‌کنند	ثبات روحی و فکری ندارند

زودرنج هستند	خشم خود را نشان می دهند
در برابر فشار روانی آسیب پذیر هستند	امیال کودک را در نظر نمی گیرند
بی هدف هستند	در اجرای قوانین پافشاری می کنند
در حالی که منفعل هستند رفتار خصومت آمیز همراه با حيله دارند	خشن و تنبیه گر هستند
	صمیمیت و محبت والدین نسبت به فرزندان کم است



### ۲-۳. سبک تربیتی مقتدرانه

خانواده مقتدر، خانواده‌ای است که کودک را در شیوه‌های که در نظر خود آرامش بخش است، آزاد می‌گذارد. فرزند به استقلال فکری تشویق می‌شود، در حالی که نوعی محدودیت و کنترل از سوی والدین بر او اعمال می‌شود. (دلاوری پور پاریزی و ۱۳۸۹، ص ۲۶). سبک مقتدرانه با کنترل و پذیرش زیاد والدین مشخص می‌شود. در این نوع سبک تربیتی تقاضا و پاسخ‌گویی والدین زیاد است و مجموعه‌ای از حمایت‌های اجتماعی، ارتباط دوسویه، پذیرندگی، پاسخ‌گویی، شکیبایی و خشنودی نسبت به فرزندان دیده می‌شود (خنک‌دار طارسی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۴). از نظر بامریند ویژگی‌های سبک فرزندپروری مقتدرانه شامل مهرورزی و مشارکت بالا، حساسیت و پاسخ‌گویی والدین، استقلال، تأیید و تشویق والدین، کنترل و محدودیت، تأکید بر خود پیروی در کودک است (خنک‌دار طارسی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۴). بنابراین، والدینی که از این سبک تربیتی استفاده می‌کنند به فرزندان خود استقلال و آزادی فکر می‌دهند، آنها را تشویق می‌کنند و از طرفی نوعی محدودیت و کنترل را بر آنها اعمال می‌کنند. در این خانواده‌ها اظهارنظرها و ارتباط اخلاقی زیادی بین کودک و والدین مشاهده می‌شود و گرمی و صمیمیت با کودک بالاست (عادل پور، ۱۳۹۶، ص ۶). والدین مقتدر در حالی که بر فرزندان خود کنترل دارند در مورد این کنترل به فرزندان توضیح می‌دهند و از طرفی روش‌های تقویتی را برای تغییر رفتار فرزندان استفاده می‌کنند. در این



نوع سبک تربیتی، حمایت اجتماعی، ارتباط دوطرفه، پذیرش، پاسخ‌دهی، صبر و رضایت نسبت به فرزندان از طرف والدین دیده می‌شود (خنکدار طارسی، ۱۳۹۵، ص ۴).

آنها از فرزندشان توقع رفتار معقول دارند، توقعات خود را به صورت واضح بیان می‌کنند و توضیحاتی را به فرزند می‌دهند تا کودک دلایل آنها را درک کند. آنها در ارتباط با کودک خود دلسوز و صمیمی هستند و نسبت به موفقیت‌های فرزندان واکنش‌های مثبتی ارائه می‌دهند. هرچند والدین مقتدر در ارتباط با فرزندانشان گرم و صمیمی هستند و از تقویت مثبت برای هدایت رفتار استفاده می‌کنند، اما از شیوه بازخواست و تنبیه ملایم هم استفاده می‌کنند. والدین مقتدر در بیشتر اوقات برای اینکه بتوانند فرزندان را مطیع خود کنند از استدلال و منطق استفاده می‌کنند. آنها به فرزند خود محبت زیادی می‌کنند و حقوق ویژه خود را در قالب یک بزرگسال می‌شناسند (غلامی تکالو و نیک‌خو، ۱۳۹۴، ص ۲). ویژگی‌های خانواده‌های مقتدر عبارت است از: هرکدام از اعضای خانواده متناسب با استعداد و توان خود در انتخاب هدف و تلاش برای رسیدن به اهداف شرکت می‌کنند و یک همکاری صمیمانه دارند، انضباط بین اعضای خانواده به صورت اختیاری است و برای اجرای نظم در محیط خانواده مقتدر، خودکنترلی جانشین دگرکنترلی می‌شود، در این نوع خانواده‌ها، روش زندگی براساس مشورت و مشاوره، مصلحت‌اندیشی و اصول عقلی تعیین می‌شود (دلوری پورپاریزی و صفورایی پاریزی، ۱۳۸۹، ص ۲۸).

### ۱-۳-۲. اثرات سبک تربیتی مقتدرانه بر فرزندان

- در فرزندان اعتماد به نفس و روحیه استقلال تقویت می‌شود؛ زیرا والدین به فرزندان احترام می‌گذارند و همین امر در رشد شخصیت فرزند اهمیت بسزایی دارد. وقتی استقلال و اعتماد به نفس کودک افزایش یابد محبوبیت او در گروه همسالان هم زیاد می‌شود و در نتیجه استعداد کودک در پذیرش و ایفای نقش رهبری و مدیریت شکوفا خواهد شد؛

-اینکه فرزندان والدین مقتدر از اعمال نادرست پرهیز می‌کنند به دلیل ترس از والدین و تنبیه و سرزنش نیست، بلکه علت اساسی این اجتناب رعایت قوانین و مقررات اجتماعی و اخلاقی و احترام به حقوق دیگران است؛

-این کودکان نمرات درسی و بهره هوشی بیشتری دارند؛

-خلاق تر هستند؛

-خویشمن داری در آنها بیشتر است، کارآمدتر و متکی به خود هستند؛

-رفتارهای هدفمند و پیشرفت‌گرا دارند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که شیوه‌های تربیت

فرزند و تعامل والدین با آنها ارتباط معناداری با انگیزه پیشرفت تحصیلی دارد؛

-توانمندی‌ها و استعدادهای کودک هدر نمی‌رود، بلکه به سمت هدف‌های معنی‌هدایت

می‌شود (دلوری پور پاریزی و صفورایی پاریزی، ۱۳۸۹، ص ۲۹-۲۸).

حاصل شیوه تربیتی مقتدرانه، کودک شایسته با سازگاری روانی بالاست. در پاسخ به این

سؤال که چرا شیوه فرزندپروری مقتدرانه باعث حمایت از شایستگی فرزندان می‌شود، می‌توان

گفت چون در این نوع سبک تربیتی، کنترل به صورت منصفانه و با استدلال است نه به صورت

دلخواه، پس در این سبک تربیتی احتمال بیشتری وجود دارد که کنترل درونی شود، این

والدین در حفظ استانداردها در رابطه با فرزندانشان ثابت قدم هستند، پس الگوهایی از

رفتارهای ابراز وجود و افزایش اعتماد به نفس را به آنها منتقل می‌کند، توقع این والدین با

توانایی و استعداد فرزندان متناسب است (عادل پور، ۱۳۹۶، ص ۸۴). در مجموع می‌توان

گفت سبک تربیتی مقتدرانه، تربیت فرزندان شایسته را به دنبال دارد که سازگاری بالایی دارند.

در جدول زیر به اهم تأثیرات پرداخته شده است (دلوری پور پاریزی و صفورایی پاریزی، ۱۳۸۹،

ص ۲۱).



جدول ۳- تاثیر سبک تربیتی مقتدرانه

نوع تربیت: والدین مقتدر	رفتار کودک: کودک پرتوان خونگرم
قوانین را با جدیت اجرا می‌کنند	متکی به نفس هستند
تسلیم قهر کودک نمی‌شوند	خویشتن داری می‌کنند
با کودک حرف‌نشو مقابله می‌کنند	پرانرژی هستند
در برابر رفتارهای بد کودک از خودشان ناراحتی نشان می‌دهند	شادابی و سرزندگی زیادی دارند
از رفتار سازنده کودک حمایت می‌کنند	با گروه هم سن و همسالانشان روابط دوستانه برقرار میکند
قوانین را به وضوح ابلاغ می‌کنند	در موارد استرس را مقابله خوبی می‌کنند
امیال کودک را در نظر می‌گیرند	کنجکاو هستند
راه و چاه را به کودک نشان می‌دهند	احساس روبه پیشرفت دارند
مهربان و پاسخگو هستند	دوراندیش و هدف‌گرا هستند
رفتار والدین مناسب با سن کودک است	با بزرگسالان همکاری می‌کنند
موقعیت‌های فرهنگی و فعالیت‌های مشترک را طرح‌ریزی می‌کنند	رام‌شدنی هستند

۳. دیدگاه احادیث

در منابع اسلامی، فرزندپروری فعالیتی پیچیده شامل رفتارها، زمینه‌سازی‌ها، آموزش‌ها و تعامل‌ها و روش‌هایی است که به‌طور مجزا و در تعامل با یکدیگر بر رشد عاطفی، معنوی، شناختی و رفتاری فرزند در ابعاد فردی و اجتماعی اثر می‌گذارد. از نظر اسلام مسئولیت تربیت فرزند برعهده پدر و مادر است. (آزادکوه‌خایی، رمضانعلی رود مقدس، ۱۳۹۴، ص ۱۳۰) این مسئولیت اهمیت زیادی دارد. امام سجاد علیه السلام در صحیفه سجادیه برای تربیت فرزند استمداد می‌طلبد و می‌فرماید: «اللهم اعنی علی تربیتهم وتادیبهم وبرهم؛ خدایا مرا در تربیت، ادب‌آموزی

و نیکوکاری فرزندانم یاری فرما» (صحیفه سجادیه، دعای ۲۵). تربیت فرزند در منابع اسلامی به معنای فراهم کردن مقدمات لازم برای به فعلیت رساندن قوای فرزند در راه تقرب به خداست که نیاز به آگاهی و تمرین دارد (عادل پور، ۱۳۹۶، ص ۱۳۳).

احادیث و روایات اسلامی و متون دینی به رعایت اعتدال در روابط بین اعضای خانواده به ویژه رابطه والد-فرزند و شیوه تربیتی توصیه می کنند. در فرهنگ اسلامی فرزندان امانت های خدا هستند و خانواده مسئول حفظ سلامت، رشد، تربیت و سعادت فرزندان است، پس همان طور که فرزندان نسبت به والدین وظایفی دارند، والدین هم در برابر تعلیم و تربیت فرزند مسئولیت دارند. از نظر اسلام، والدین اجازه ندارند که با سخت گیری های زیاد جلوی رشد و کمال فرزندان را بگیرند و باعث انحراف فرزندان شود. از طرفی هم نباید خیلی آسان گیری کنند که فرزندان بتوانند هر کاری انجام دهند و بدون نظارت و مراقبت پرورش پیدا کنند. چنان که این نکته از آیه «قوانفسکم واهلیکم نارا» برداشت می شود (ر.ک، تحریم: ۶). معنای آیه چنین است: «ای کسانی که ایمان آورده اید خود و خانواده خویش را از آتش نگه دارید». نگهداری خویشتن به معنای ترک گناه و عدم تسلیم در برابر شهوت است و منظور از نگهداری خانواده همان تعلیم و تربیت و تهیه محیط پاک و عاری از آلودگی در خانه و خانواده است که این نگهداری باید در تمام مراحل زندگی به ویژه در تربیت فرزندان با نهایت دقت رعایت شود. نکته دیگری که می توان برداشت کرد این است که در آیه کلمه «قوا» به معنای «نگه دارید» به این مطلب اشاره دارد که اگر والدین، فرزندان را به حال خودشان رها کنند چه بخواهند و چه نخواهند به انحراف کشیده می شوند و اصول تربیت صحیح فرزند درباره آنها صدق نمی کند. از طرف دیگر، اگر بر آنها سخت گیری شود به گونه ای که محدودیت و استبداد را حس کنند باعث می شود در برابر والدین طغیان و ایستادگی کنند. براساس این آیه، والدین به نظارت و مراقبت، انتخاب شیوه صحیح فرزند، حفظ از انحراف و سقوط و زمینه سازی رشد کمال و هدایت آنها موظف هستند. مسئله وظیفه سنگین تربیت فرزندان و اعتدال در تربیت فرزند باعث می شود که شیوه تربیتی مقتدرانه را انتخاب شود؛ زیرا نزدیک ترین سبک به دستورات



تربیتی اسلام است، عدالت در آن رعایت می‌شود و تربیت صحیح و موفقیت‌آمیز به همراه دارد (دلآوری پور پازیزی و صفورایی پازیزی، ۱۳۸۹، ص ۲۳).

#### ۴. رشد عاطفی

از نظر روان‌شناسان مهمترین نیاز کودک، محبت و امنیت عاطفی است؛ زیرا وقتی کودک احساس امنیت و محبت کند زیربنای رشد شخصیت او شکل می‌گیرد. در اسلام نیز به محبت به کودکان و رفع نیاز عاطفی آنها تأکید شده که براساس روایات، محبت و عواطف شادی بخش نسبت به کودک رحمت و محبت خدا را به همراه دارد و در روز قیامت پاداش معنوی آن این است که خداوند به والدین شادمانی عنایت می‌کند. اینکه والدین فرزند خود را ببوسند ارزش معنوی دارد. (حرعاملی، ۱۹۹۱، ۲۰۱/۱۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۹۷/۱۰۱) از توصیه‌های اولیای دین در مورد تربیت فرزند این استنباط را می‌توان دریافت کرد که از نظر دین اسلام توجه عاطفی مثبت و سازنده در فرزندان توسط والدین بسیار مهم است و بر این مسئله تأکید شده است. هیجان‌ها مانند ترس، غم، شادی، خشم، اضطراب و... از مؤلفه‌های مهم رشد عاطفی بوده و نقش مثبتی در زندگی افراد دارد (نجاتی و مهدیار، ۱۳۹۴، ص ۲).

#### ۵. تعریف هیجان

هیجان‌ها پدیده‌های چندوجهی و نوعی پاسخ فیزیولوژیکی هستند که بدن را برای سازگاری آماده می‌کنند. می‌توان گفت تا اندازه‌ای حالت‌های عاطفی هستند و باعث می‌شوند تا به شیوه خاص، احساس نیاز شود و همچنین پدیده اجتماعی هستند و ارتباط فرد با دیگران را آسان می‌کند. هیجان، حالت پیچیده روان‌شناسی شامل سه جزء است: تجربه ذهنی، پاسخ فیزیولوژی و واکنش‌های رفتاری. هیجان‌ات اصلی شامل شادی، خشم، ترس و غم است.

#### ۶. رشد عاطفی هیجانی در سن ۷ تا ۱۱ سالگی

در این سن خودآگاهی و حساسیت اجتماعی بیشتر به شایستگی هیجانی کمک می‌کند. تغییرات در تجربه هیجان‌های خودآگاه، آگاهی هیجانی و خودتنظیمی هیجانی روی می‌دهد.

خشم دلایل عمده‌ای دارد مانند نزاع بر سر اسباب بازی و مورد حمله واقع شدن که ممکن است به صورت گریه کردن، شلوغ کردن، فریاد زدن، پا به زمین کوبیدن و... بروز کند. در ارتباط با ترس، حوادث ناخوشایندی به صورت نگهداری شده در حافظه تکرار می‌شود که ممکن است به صورت فرار کردن و پنهان شدن، گریه کردن و احتراز از موقعیت ترسناک، خود را نشان دهد. در مورد غم، ازدست دادن فرد یا شیء مورد علاقه، آنها را غمگین می‌کند و به صورت گریه و عدم رغبت به ادامه فعالیت خود را نشان می‌دهند.



-شادی: از فریب دادن دیگران، موقعیت تکرار تحریک آمیز و ناجور، شلوغی‌های ناگهانی لذت می‌برند. این لذت و خوشی را به صورت لبخند زدن، خندیدن و... بروز می‌دهند. (لورابک، ۱۳۹۷، ص ۶۸۱) با اینکه هیجان‌ها نقش مثبت و سازنده‌ای در زندگی افراد دارد، ولی برخی افراد آنها را آسیب‌زا تلقی می‌کنند. باید دانست که هیجان‌ها مشکل‌زا نیستند، بلکه تنظیم هیجان و دستکاری آن، مسئله مهمی است که باعث ایجاد مشکل می‌شود. تنظیم هیجان شامل فرآیندهایی است که افراد به وسیله این فرایندها هیجان‌ها خود را تحت تأثیر قرار می‌دهند و براساس آن، فرد هیجان‌ها خود را تجربه می‌کند. در واقع به منظم کردن و تنظیم فرایندهای احساسی در راستای عملکرد تطبیقی اطلاق می‌شود. مفهوم چندبعدی تنظیم هیجان شامل آگاهی، شناخت و فهم هیجان‌ها، پذیرفتن هیجان‌ها، کنترل رفتارهای تکانشی و عمل براساس اهداف مطلوب وقتی که هیجان‌ها منفی تجربه می‌شود، توانایی در استفاده از تنظیم هیجانی از راه اجرای روش‌هایی که پاسخ‌های هیجانی را در حالت انعطاف قرار می‌دهند، است (محمدی، فرنام و محبوبی، ۱۳۹۰، ص ۱۲). توانایی تنظیم هیجانی می‌تواند تعیین‌کننده کیفیت روابط فرد باشد. افرادی که در تنظیم هیجان‌ها خود موفق هستند هیجان دیگران و خود را بهتر درک می‌کنند، پس درک بهتری از افراد و موقعیت‌های مختلف دارند و مهارت‌های فردی و بین فردی گسترده‌تری دارند. این افراد نسبت به کسانی که دشواری در تنظیم هیجانی دارند روابط بهتری دارند (محمدی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۸)؛

-دشواری در تنظیم هیجان: به معنای پاسخ‌های ناسازگارانه به هیجانات است که شامل دشواری در کنترل رفتارها و عدم پذیرش درهنگام پریشانی هیجانی و نقص و کمبود در استفاده عملکردی هیجانات در قالب اطلاعات است. (نجاتی و مهدیار، ۱۳۹۴، ص ۲) تنظیم هیجان در پیش‌روی فرد به اینکه چه اهدافی تعیین کرده است نقش مهمی دارد (خانقاهی و کردتمیمی، ۱۳۹۳، ص ۸۲). در مورد ریشه بسیاری از اختلالات از جمله اختلالات خلقی و اضطرابی می‌توان به مسئله ناتوانی در تنظیم هیجان اشاره کرد (مطیعیان، قربانی و گل‌پرور، ص ۱۳۹۳). بسیاری از تحقیقات ناتوانی در تنظیم هیجانی را عامل مهمی در سلامتی و عملکرد موفق افراد و پیش‌بینی‌کننده مهم آسیب‌های روانی فرد و عامل اصلی بروز افسردگی می‌دانند. دشواری تنظیم هیجان نقش مهمی در بحث اختلالات و آسیب‌شناسی روانی دارد. یکی از مؤلفه‌های مهم آسیب‌شناسی در اختلالات مانند اختلال شخصیت مرزی، اختلال خوردن، افسردگی دوقطبی و عمده، اضطراب اجتماعی، اضطراب تعمیم‌یافته و اختلالات مربوط به مصرف مواد از عوارض تنظیم هیجان است (نجاتی و مهدیار، ۱۳۹۴، ص ۲)؛

- بی‌نظمی هیجانی: شکست در تنظیم هیجان، بی‌نظمی نامی نامیده می‌شود. بی‌نظمی هیجان در قالب روش‌های ناسازگارانه پاسخ به هیجانات تعریف شده است که شامل پاسخ‌های بدون پذیرش، نقص در استفاده عملکردی از هیجانات و دشواری در کنترل رفتار در بستر پریشانی هیجانی است. (اسماعیلی‌نسب، اندامی‌خشک، آذرمی و ثمررخی، ۱۳۹۳، ص ۵۱) افرادی که سطوح بالایی از نقایص تنظیم هیجان را بروز می‌دهند بیشتر از بقیه ممکن است در آینده رفتارهای پرخطر که موجب افسردگی و اضطراب می‌شود را نشان دهند (اسماعیلی‌نسب و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۷). خانواده در فرایند تنظیم هیجان مؤثر است. والدین با اعمال سبک فرزندپروری خود در رشد اجتماعی عاطفی و هیجانات فرزندان نقش اساسی دارند به‌گونه‌ای که سبک‌های فرزندپروری و تنظیم هیجانی با یکدیگر مرتبط هستند، پس رفتار خشونت‌بار والدین با فرزندان یا اعمال سبک تربیتی نامناسب از جانب والدین می‌تواند باعث دشواری در تنظیم هیجان شود. سبک تربیتی مستبدانه با تنظیم هیجانی در فرزندان ارتباط منفی و با دشواری در تنظیم و هیجان رابطه مثبت و

معناداری دارد. پژوهشگران معتقد هستند که والدین پاسخ‌دهنده باعث توانایی بیشتر فرزندان در تنظیم هیجانات می‌شوند. تحقیقات بیانگر آن است که محبت والدین همراه با حد اعتدال در سبک تربیتی مقتدرانه و با خودتنظیمی و تنظیم هیجانات در فرزندان رابطه مثبت و با دشواری در تنظیم هیجانات رابطه منفی دارد (نجاتی و مهدیار، ۱۳۹۴، ص ۲).

## ۷. ارتباط سبک تربیتی مقتدرانه با رشد عاطفی کودک

بسیاری از اختلالات رفتاری و روانی ریشه در دوران کودکی دارد. از شایع‌ترین اختلال عاطفی روانی در کودک و نوجوان اختلالات اضطرابی است. عوامل محیطی و اجتماعی نقش مهمتری در اختلالات اضطرابی دارد. از طرفی مهمترین عوامل محیطی، خانواده و رابطه والدین با فرزندان است. نوع واکنش والدین به هیجانات کودک بسیار مهم است و این اهمیت را می‌توان از اثراتی که روی کودک می‌گذارد، دریافت. براساس نتایج پژوهش‌ها شیوه خاصی از واکنش والدین به هیجانات کودک که در سبک تربیتی مقتدرانه دیده می‌شود، می‌تواند شایستگی اجتماعی و هیجانی کودک را بالا ببرد و آنها را در برابر افسردگی و سایر اختلالات درون‌سازی مقاوم‌تر کند. تنظیم هیجان و نوع واکنش والدین نسبت به هیجانات در رابطه با اختلالات اضطرابی نقش دارد. اگر والدین واکنش‌های غیرحمایت‌گر (سهل‌گیرانه، مستبدانه) داشته باشند روی تنظیم برانگیختگی فیزیولوژی و پردازش اطلاعات درباره حوادث هیجانی اثر می‌گذارد و باعث می‌شود کودک هیجانات خود را تهدیدکننده بداند و از روبه‌رو شدن با موقعیت‌های چالش‌برانگیز هیجانی دوری کند. در نتیجه احتمال یادگیری و مقابله با هیجانات منفی در آنها کم می‌شود. نوع واکنش والدین نیز نسبت به ابراز هیجانات منفی بسیار مهم است. در خانواده‌هایی که ابراز هیجان را صحیح نمی‌دانند (مستبدانه) کودکان به جای تنظیم احساسات، آنها را مخفی می‌کند. وقتی کودک شکست را تجربه می‌کند اگر والدین خشونت به خرج دهند و به فرزند خود بازخورد منفی بدهند واکنش والدین درکنار واکنش کودک به تجربه منفی که داشته است، باعث می‌شود کودک در برابر افسردگی آسیب‌پذیر شود. تنبیه، کوچک شمردن و عدم حمایت از ابراز هیجانات منفی





کودکی که در خانواده غیرمقتدرانه دیده می‌شود، باعث می‌شود فرزندان هیجانات منفی را با شدت بیشتری تجربه کنند، پس استرس، اضطراب و تنیدگی بیشتری از خود نشان می‌دهند (رویتوند غیاثوند، اسماعیلی‌نسب و اشرفی، ۱۳۹۸، ص ۲۷).

نقش والدین در تحول روان‌شناختی و اجتماعی کودک غیرقابل انکار است. ارتباط مؤثر والد-فرزند در سلامت روانی و عاطفی کودک مؤثر است. بخش عظیمی از تحقیقات بر اهمیت تعاملات والدین و فرزندان در سال‌های اولیه زندگی کودک و پیامدهای مثبت‌شناختی عاطفی فرزندان تأکید می‌کنند. تعاملات مطلوب مادر و کودک و سبک فرزندپروری مقتدرانه باعث بهبود رفتارهای کودکان می‌شود. کیفیت ارتباط والدین با فرزندان با تنوع رفتار فرزند و سازگاری روانی او مرتبط است. هرچه تعارض بین والدین و فرزندان بیشتر باشد هیجانات منفی و مشکلات رفتاری در فرزندان نمود بیشتری پیدا می‌کند و هرچه تعارضات بین آنها کمتر شود سبک تربیتی مقتدرانه سبب ایجاد دلبستگی ایمن در فرزند شده و از ایجاد بسیاری از مشکلات هیجانی و عاطفی و اجتماعی و روانی جلوگیری می‌کند و سپس می‌توان رفتار و هیجانات بهنجار را در کودک شاهد بود. (بهرامی، فاتحی‌زاده، عابدی و دیاریان، ۱۴۰۰، ص ۲۸) طی تحقیقات انجام‌شده واکنش والدین به احساسات منفی کودک از راه تنظیم هیجان بر اضطراب کودک تأثیر می‌گذارد. واکنش والدین، اضطراب و تنظیم هیجان را و تنظیم هیجان نیز اضطراب کودک را پیش‌بینی می‌کند، پس همان‌طور که واکنش والدین به هیجانات منفی کودکان در اضطراب کودکان نقش دارد تنظیم هیجانی کودک هم در ایجاد ظهور اضطراب نقش دارد. می‌توان چنین استنباط کرد که وجود تنظیم هیجانی مناسب در کودکان مانعی در برابر واکنش نامناسب والدین و اضطراب ناشی از آن است (رویتوند غیاثوند و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۲۷).

بررسی‌ها نشان می‌دهد عقاید و باورهای والدین، شیوه‌های تربیتی، جو عاطفی حاکم بر خانواده بر رشد اخلاقی و شکل‌گیری شخصیت کودک و نوجوان هم نقش دارد. این مسئله را باید در نظر داشت که کودکان همواره از خانواده یاد می‌گیرند و با والدین خود همانندسازی می‌کنند. هرگونه افراط و تفریط والدین در برخورد با فرزندان (سبک سهل‌گیرانه و مستبدانه)

عواقب ناخوشایندی برای کودکان دارد که ممکن است باعث رشد ناقص کودک و بروز مشکلات رفتاری و هیجانی مختلف مانند ترس‌های فوبی، خشونت‌های افراطی، اختلالات اضطرابی و رشد کم اخلاقی شود. والدین با انتخاب سبک تربیتی درست می‌توانند خوب و بد نتایج اعمال را به فرزندان یاد دهند که باعث تحقیر و سرزنش آنها نشوند. سبک‌های فرزندپروری والدین (سهل‌گیرانه، مستبدانه و مقتدرانه) بر نوع شخصیت و رفتار فرزندان تأثیر متفاوتی می‌گذارد. می‌توان گفت تمام آنچه که فرزند در آینده با آن روبه‌رو می‌شود و نوع برخورد فرزند با مشکلات زندگی، ناشی از سبک فرزندپروری است که والدین بر آنها اعمال کرده‌اند.

اگر والدین سبک فرزندپروری صحیحی را انتخاب کنند و بر فرزند خود اعمال کنند باعث ایجاد سلامت پایدار و قابل توجهی در فرزند می‌شوند. رابطه صحیح با فرزند موجب رشد اجتماعی، عاطفی و اخلاقی در او می‌شود. مهمترین عامل تعیین‌کننده شخصیت افراد در بزرگسالی هم رابطه والدین با فرزند به‌ویژه مادر است. اگر والدین دلبستگی ایمن با فرزند خود برقرار کنند و او را با سبک تربیتی مقتدرانه پرورش دهند کودکانی را به جامعه تحویل می‌دهند که از ظرفیت اجتماعی، عاطفی و اخلاقی زیاد بهره‌مند هستند و در این حیطة رشد بسیار خوبی دارند. نتایج تحقیقات مهاسنه و همکاران نشان داد که بین سبک تربیتی مقتدرانه و دلبستگی ایمن رابطه مثبت و معنادار و بین سبک تربیتی سهل‌گیرانه و دلبستگی ایمن همبستگی منفی وجود دارد. در مطالعه دیگری که ترکش دوز و فرخزاد باهدف بررسی اختلالات رفتاری کودک با سبک فرزندپروری انجام دادند نتایج نشان داد که سبک فرزندپروری مقتدرانه با اختلالات رفتاری کودکان همبستگی ندارد، اما سبک تربیتی سهل‌گیرانه و مستبدانه با اختلالات رفتاری همبستگی مثبت دارد. الگوی فرزندپروری مقتدرانه و سالم از راه تعامل اولیه بین والد-کودک به شکل باورهای، درونی‌سازی و رمزگذاری می‌شود که بر انتظار شخص، هیجانان او، دفاع و رفتار ارتباطی او با دیگران تأثیر می‌گذارد. تعامل اولیه بر روابط عاطفی و شناختی فرزند در بزرگسالی هم تأثیر می‌گذارد. (اسمعیلی، طهماسبی، محمدی‌آریا و سلطانی، ۱۴۰۰، ص ۳۷۰)

فرزندان خانواده‌های مستبد نمی‌توانند رابطه مثبتی با دیگران برقرار کنند. این یعنی درزمینه رشد عاطفی و اجتماعی به اندازه کافی رشد نکرده‌اند. این حاصل سخت‌گیری‌ها و برخوردهای شدید والدین است و به تدریج در سن بزرگسالی باعث منزوی شدن و افسردگی فرزندان می‌شود. اعتماد به نفس در این کودکان کم است و همین باعث تراکم افکار منفی و نارضایتی از خود می‌شود که زمینه ایجاد اختلالات عاطفی دیگر را فراهم می‌کند. (دلوری پور پاریزی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۲۳) فرزندانی که در سبک تربیت مقتدرانه رشد می‌کنند بین رشد عاطفی، اجتماعی، اخلاقی و شخصیتی آنها هماهنگی کامل دیده شده و همین مسئله باعث ایجاد منش و خصوصیات مثبت و تنظیم هیجانات و عواطف و افزایش سازگاری در فرزندان می‌شود. همین هماهنگی به وجوه یادشده باعث می‌شود فرزند از خودمحوری به قانون محوری برسد. در خانواده مقتدر، فرزندان در فضای عاطفی متعادلی با یکدیگر زندگی می‌کنند و رشد عاطفی تنظیم هیجانات مختلف مانند ترس، اضطراب، شادی و غم و... در آنها بیشتر دیده می‌شود، پس در مدرسه و مکان‌های اجتماعی نیز می‌تواند با معلمان و بقیه افراد رابطه عاطفی و اجتماعی صحیحی برقرار کنند، با دوستان و همسالان خود همکاری و همفکری داشته باشند، به آنها احترام بگذارند، اختلاف عقاید بین خود و دوستان را بپذیرند و به دنبال تجاوز به حریم دیگران نباشند (دلوری پور پاریزی، ۱۳۸۹، ص ۲۹).

تحقیقات نشان می‌دهد فرزندان والدین مقتدر از نظر عاطفی، متعادل و بدون افراط و تفریط هستند و به موقع از محبت والدین استفاده می‌کنند؛ زیرا به شخصیت آنها در خانه توجه شده، به آنها احترام گذاشته می‌شود و جایگاه فرزندان در خانه و خانواده مشخص است. این فرزندان با نظارت والدین قوانین را رعایت می‌کنند و این پیروی جزئی از ساخت‌های شناختی آنها شده و براساس آن رفتار می‌کنند. فرزندان در این خانواده‌ها اگر اشتباهی مرتکب شدند دچار ناامیدی روانی-عاطفی نمی‌شوند و این‌گونه نیست که نتوانند هیجانات مختلف ناشی از اشتباه خود را مدیریت کنند. علت آن است که اطمینان دارند راهنمایی، حمایت و هدایت والدین مقتدر به کمک آنها می‌آید و می‌توانند برای رفع اشتباه و

عدم تکرار آن از والدین خود بهره بگیرند. (دلوری پور پاریزی و صفورایی پاریزی، ۱۳۸۹، ص ۲۹) اینکه والدین مقتدر آزادی نسبی به همراه کنترل بر فرزند خود دارند باعث رشد عاطفی کودک می شود از جمله اینکه شادی و نشاط کودک را افزایش می دهد و سبب رضایت درونی فرزند می شود. شادی و نشاط که از ویژگی های مهم فرزندان والدین مقتدر است بر وجه دیگر رشد عاطفی نیز تأثیر می گذارد به طوری که موجب افزایش شجاعت و جرأت و غلبه بر ترس های غیرمنطقی آنها می شود. همچنین باعث غلبه بر خودخواهی و خودمحوری و مقابله با مشکلات زندگی شده که در نهایت عاملی برای حرکت و فعالیت برای رشد و پیشرفت در فرزند است (دلوری پور پاریزی و صفورایی پاریزی، ۱۳۸۹، ص ۳۱).

سبک تربیتی مقتدرانه به گونه ای است که به فرزند از نظر عاطفی اطمینان می دهد که پدر یا مادر برای او محیط امن و ثابتی ایجاد می کنند. در این خانواده ها کودک حس می کند که حقوق و شخصیت دارد و همین امر سبب افزایش اعتماد به نفس و استقلال کودک می شود. افزایش اعتماد به نفس، استقلال و... زمینه ساز رشد در ابعاد مختلف عاطفی است. (عادل پور، ۱۳۹۶، ص ۸۴) در سبک تربیتی مقتدرانه نه آزادی مطلق و بی قید و شرط دیده می شود (سبک سهل گیرانه) و نه محدودیت و سختگیری های نابه جا (سبک مستبدانه)، بلکه رابطه والدین و فرزندان بر اساس آزادی نسبی و متعادل و انضباط هدایت شده ای است که فرصت کافی برای ابراز وجود و اظهار نظر را به فرزندان می دهد. آنها خواسته ها و مشکلات خود را با والدین در میان می گذارند، عقاید خود را به طور آزادانه بیان می کنند، مهارت ها و استعداد های خود را بروز می دهند و در نتیجه از امنیت روانی و عاطفی نسبی بهره مند می شوند (دلوری پور پاریزی و صفورایی پاریزی، ۱۳۸۹، ص ۲۸).

## ۸. نتیجه گیری

والدین با انتخاب سبک فرزند پروری در رشد اجتماعی، عاطفی و تنظیم هیجانات فرزندان نقش مهمی دارند. ارتباط و پیوند بین اعضای خانواده و نوع واکنش والدین به هیجانات کودک

در سلامت روانی و رشد اجتماعی و عاطفی او تأثیرگذار است. خانواده‌هایی که به احساسات فرزندان خود توجه نکرده و از احساسات او حمایت نمی‌کنند و پذیرش نسبت به هیجانات و احساسات او ندارند انبوهی از مشکلات مانند اضطراب را برای او فراهم می‌کنند. اگر والدین از شیوه تربیتی مقتدرانه استفاده کنند و به احساسات، هیجانات و استقلال کودک توجه کنند حالت حمایتگری و پذیرش دارند و در نتیجه میزان استرس، اضطراب و مشکلات دیگر در فرزند کمتر می‌شود. (رویتوند غیائوند و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۳) نتایج پژوهش‌های انجام شده نشان داد که از بین سبک‌های فرزندپروری، سبک فرزندپروری مقتدرانه دشواری در تنظیم هیجانات را به صورت منفی و معنادار و سبک فرزندپروری مستبدانه دشواری در تنظیم هیجان را به صورت مثبت و معنادار پیش‌بینی می‌کند. نتایج حاکی از آن است که اگر والدین در رابطه با تربیت فرزندان سبک تربیتی صحیح یعنی، سبک مقتدرانه را انتخاب کنند این امر به تنظیم هیجانات کودک و در نتیجه رشد عاطفی هیجانی فرزند کمک شایانی می‌کند (نجاتی و مهدیار، ۱۳۹۴، ص ۱). با بررسی آیات، روایات و آموزه‌های اسلامی می‌توان پی برد که در اسلام از بین سه الگوی تربیتی سهل‌گیرانه، مستبدانه و مقتدرانه تنها سبک تربیتی مقتدرانه مورد پذیرش است. سبک تربیتی سهل‌گیرانه مورد تأیید نیست؛ زیرا آسان‌گیری در محبت و نیکی کردن به فرزندان در حد افراط و بی‌نظمی در روابط با بی‌توجهی به جایگاه تک‌تک افراد در خانواده بروز می‌یابد که در آیات و روایات الگوی نامناسبی برای تربیت فرزند محسوب می‌شود. سبک تربیتی مستبدانه هم مورد تأیید اسلام نیست؛ زیرا در این سبک، سختگیری و خودمحوری بیش از حد والدین بر اثر اعمال فشار، تنبیه و جلوگیری از استقلال کودک ظهور می‌کند و والدین از داشتن چنین سبک تربیتی نهی شده‌اند: «لاتقسرو اولادکم علی ادا بکم فنهیم مخلوقون لزمان غیر زمانکم» (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵، ص ۲۶۷). در آموزه‌های اسلامی اقتدار والدین در خانواده امری ضروری است. این اقتدار نوعی احترام و پیروی از والدین را در فرزندان پرورش می‌دهد. والدین نیز باید مسئولیت مراقبت و هدایت فرزندان را به خوبی ایفا کنند. سهل‌گیری و بی‌توجهی در این مسئله پیامدهای نامطلوبی دارد. احترام به فرزندان و برخورد مناسب با آنها،

دخالت دادن آنها در امور خانوادگی، مشورت با آنها و دادن آزادی عمل در محدوده خاص در سنین بالاتر مورد تأیید اسلام است، پس برعکس دو مورد بالا این موارد در سبک‌های فرزندپروری مقتدرانه مشاهده می‌شود (سالاری فر و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۲۲۹). سبک مقتدرانه با پیشرفت تحصیلی، خودتنظیمی هیجانی، رشد عاطفی دادن، رشد اجتماعی روانی، عزت نفس بالاتر، درونی سازی ارزش های دینی، رشد اخلاقی، کفایت بیشتر، اضطراب و افسردگی کمتر، شایستگی اجتماعی و شناختی و توانایی بالاتر در فرزندان همراه است (سالاری فرد و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۲۳).



### فهرست منابع

- \* قرآن کریم
- \* صحیفه سجاده
- ۱. ابن ابی الحدید (۱۳۸۵). شرح نهج البلاغه. بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
- ۲. اسعدی، سید محمد، ذکابی، نیره، کاویانی، حسین، محمدی، محمدرضا، و گوهری، محمدرضا (۱۳۸۵). رابطه پس‌زمینه اجتماعی-فرهنگی باشیوه تربیتی والدین و موفقیت تحصیلی و سبک یادگیری فرزندان. نشریه اندیشه و رفتار، سال ۱۲، شماره ۱، ۲۱-۲۸.
- ۳. اسماعیل نسب، مریم، اندامی خشک، علیرضا، آذرمی، هاله، و ثمرخی، امیر (۱۳۹۳). نقش پیش‌بینی‌کنندگی دشواری در تنظیم هیجان و تحمل پریشانی در اعتیادپذیری دانشجویان. نشریه اعتیادپژوهشی سوء مصرف مواد، سال ۸، شماره ۲۹، ۴۹-۶۹.
- ۴. اسماعیلی، فرزانه، طهماسبی، سیامک، محمدی‌آریا، علیرضا، و سلطانی، پوریا (۲۰۲۱). بررسی ارتباط بین سبک‌های فرزندپروری با رشد اخلاقی کودکان پیش از دبستان با میانجی‌گری دلبستگی کودک. نشریه توان - بخشی، ۳(۲۲)، ۳۶۲-۳۷۷.
- ۵. بهرامی، عاطفه، فاتحی‌زاده، مریم، عابدی، احمد، و دیاریان، محمدمسعود (۱۴۰۰). واکاو و کشف و عوامل مؤثر در تعاملات مثبت والد-کودک یک مطالعه کیفی. نشریه علمی پژوهش‌ها، ۱(۲۰)، ۲۷-۳۵.
- ۶. حرالعالمی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). تفصیل وسایل الشیعه الی التحصیل مسایل الشریعه. قم: مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث.
- ۷. خانقاهی، سوفیا، و کردتمینی، بهمن (۱۳۹۳). پیش‌بینی ترس مرضی و خشم سرکوب‌شده براساس خودتنظیمی هیجانی در دانشجویان. نشریه روان‌شناسی و روان‌پزشکی شناخت، ۱(۲)، ۷۳-۸۴.
- ۸. خنکداری طارسی، معصومه، سلحشوری، احمد، و وکیلی، هادی (۱۳۹۶). بررسی انتقادی سبک فرزندپروری مقتدرانه براساس دیدگاه ائمه اطهار. نشریه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال ۲۴، شماره ۳۳، ۶۷-۹۳.
- ۹. دلوری پور پاریزی، محبوبه، و صفورایی پاریزی، محمد مهدی (۱۳۹۸). شیوه‌های تربیت فرزندان. نشریه در عرصه مطالعات زنان و خانواده، شماره ۷، ۱۵-۳۹.

۱۰. رویتوند غیاثوند، پروانه، اسماعیل نسب، مریم، و اشرفی، عماد (۱۳۹۸). پیش‌بینی اضطراب کودکان براساس واکنش والدین به احساسات منفی آنها با توجه به نقش میانجی تنظیم هیجان. نشریه اندیشه و رفتار، ۱۵(۵۷)، ۲۷-۳۶.
۱۱. غلامی تکالو، سارا، و نیک‌خو، غلام‌حیدر (۱۳۹۴). بررسی شیوه‌های فرزندپروری و نقش آن در انسجام خانواده. کنفرانس ملی آینده‌پژوهشی علوم انسانی و توسعه (شیراز).
۱۲. سالاری فر، محمودرضا، شعاعی، محمدصادق، موسوی اصل، سید مهدی، و دولت‌خواه، محمد (۱۳۹۹). بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۳. شکوهی یکتا، محسن، پرند، اکرم، و فقیهی، علی نقی (۱۳۸۵). مطالعه تطبیقی سبک‌های فرزندپروری. نشریه تربیت اسلامی، شماره ۳، ۱۱۵-۱۴۰.
۱۴. طباطبایی، سید علی، فضلی، رخساره، و یارعلی، جواد (۱۳۹۳). بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری والدین با پیشرفت تحصیلی و اختلال رفتاری دانش‌آموزان دوره ابتدایی. نشریه خانواده و پژوهش، شماره ۷، ۱۸-۲۲.
۱۵. عادل پور، محمدحسین (۱۳۹۶). بررسی و مقایسه سبک‌های فرزندپروری از دیدگاه اسلام و دانشمندان غربی. نشریه بصیرت و تربیت اسلامی، سال ۱۴، شماره ۴۳، ۷۳-۱۰۰.
۱۶. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی (۱۳۹۹). پرورش مهارت‌های عاطفی-اجتماعی کودک. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
۱۷. کریمی‌زاده، ساره، نظامی، ماندانا، طاهری، امین، و منظری توکلی، وحید (۱۳۹۹). اثربخشی آموزش ویژه شیوه‌های فرزندپروری بر راهبردهای حل تعارض والدین و فرزندان. نشریه زن و مطالعات خانواده، شماره ۲۴، ۸۵-۱۰۴.
۱۸. کوخاهی، آزاد، و رودمقدس، رمضانعلی (۱۳۹۴). سبک بررسی سبک‌های فرزندپروری در مطالعه منابع اسلامی. نشریه بصیرت و تربیت اسلامی، سال ۱۳، شماره ۳۶، ۱۲۹-۱۵۰.
۱۹. لورا برک (۲۰۱۴). روان‌شناسی رشد از لقای تا کودکی. مترجم: سید محمدی، سید یحیی. تهران: انتشارات ارسباران.
۲۰. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحار الانوار. بیروت: مؤسسه الوفا.
۲۱. محمدی، مسعود، فرنام، رابرت، و محبوبی، پرینا (۱۳۹۰). رابطه بین سبک‌های دل‌بستگی و دشواری در تنظیم هیجانی با رضایت زناشویی در معلمان زن جزیره کیش. نشریه علمی-پژوهشی زن و فرهنگ، سال دوم، شماره ۷، ۹-۲۰.
۲۲. مطیعان، سمیرا، قربانی، مریم، و گل‌پرور، محسن (۱۳۹۳). رابطه همبستگی با دشواری‌های هیجان در زنان شهر اصفهان. نشریه روان‌شناسی بالینی، ۱(۲۱)، ۷۷-۸۹.
۲۳. نجاتی، سید فرشته، و مهدیار، منصوره (۱۳۹۴). پیش‌بین دشواری در تنظیم هیجان براساس سبک‌های فرزندپروری در دانشجویان دانشگاه شیراز. دومین کنفرانس بین‌المللی روان‌شناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی. مشهد: دانشگاه تربیت‌حیدریه.